

## افراد یک بعدی نیز

### متعادل نیستند

به ابعاد گوناگون قرآن، به جنبه سازندگی و سیاسی اجتماعی دعاها، به هدف و نتیجه ادعیه، کاری ندارند! اسلام را عین حرکات و سکنات و منافع و مصالح خودشان میدانند و از دور و بر خویش بی خبرند و حیات و زندگی دیگران، برایشان معنائی ندارد! اگر هم گاهی امر و نهی بکنند، مربوط به همین جنبه‌ها است و معیار خوبی و بدی مردم هم باز همان روش خودشان می باشد!

**گروهی دیگر،** درست در مقابل اینان، در مسائل اجتماعی، سیاسی و... وارد و مطلعند، از حوادث و جریانات روز، باخبرند، افرادی روشن فکر و محققند، چه

**عده‌ای از مسلمانان**، به برخی از ابعاد اسلام، توجه می کنند و ناخود آگاه به ابعاد دیگر آن، بی توجهند!

**گروهی** به احکام عبادی و آداب و رسوم و سنن اسلامی اهمیت می دهند، پس از اداء فرائض، به دعاها و نیایش ها و مستحبات اسلام به خوبی می رسند و... «باید چنین هم بود» ولی به ابعاد دیگر توجه ندارند!، به مسائل سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی اسلام، آشنای نیستند! هر روز به خواندن قرآن و دعاهای وارده، همت می گمارند «که بسیار ارزنده است» و «مع الاسف» به معانی و اوامر و نواهی قرآن،

حال نماز و نیایش، محو معشوق می‌گشت  
... و

مرد عمل و کاربرد، مرد میدان و  
پیکار بود، در جامعه هم عصرش، برای  
دردمندان، دوا، برای مستمندان، پناهگاه  
برای یتیمان پدر، برای مستضعفان و  
و بی‌نویان، دستگیر و یاور، و برای  
مستکبران و ستمکاران، شمشیری برنده و  
کارگر بود، او هرگز از مردم جدا نبود، مانند  
استاد و مربی خود حضرت محمد (ص)،  
دلی پر مهر در سینه داشت و در غم بیچارگان  
می‌سوخت و در دل تاریکیهای شب به یاری  
نیازمندان می‌شتافت.

او همچنانکه «جامع الأضداد» ش  
خوانده‌اند، عابد و زاهدی عاشق بود و  
جنگجو و رزم‌آوری نستوه، در پیشگاه  
معبودش پیشانی به خاک میسود و اشک و  
آهش، از دیده و دل برمی‌خاست و برای  
ناجوانمردان، قهرمانی با فریاد رعد آسا،  
مظهر خشم الهی بود و در میان مردم پدرو  
برادری متواضع و پر مهر.

و بالاخره علی (ع) و امامان پس از  
او، نشانگر همه اسلام بودند، و شیعه کسی  
است که در «عمل» چنان، پیرو آنان و  
شبهه به آنان باشد که: «تشیع» یعنی همه  
اسلام با همه ابعادش.

آنکه به یک بعد از ابعاد اسلام می‌نگرد،  
هنوز اسلام را نشناخته و هنوز به عظمت  
مقام «امامت» پی نبرده و نسبت به امامان

بسا نویسنده و هنرمندند و... ولی «باز  
متأسفانه» ناخودآگاه، یک بعدی هستند و  
نادانسته خودباخته و فریب خورده‌اند و  
تحت تأثیر فرهنگهای بیگانه می‌باشند،  
«فرضاً» به ابعاد عبادی و احکام دیگر اسلام  
توجه ندارند!

با ژست فیلسوفانه، در همه مسائل  
دخالت می‌کنند! ولی در عمل و روش،  
کمیتشان لنگ است! علاوه بر اینکه ارزش  
عبادت و تزکیه را نمی‌فهمند و عمل نمی‌کنند  
با غروری که دارند، به افرادی که به زهد  
و عبادت می‌پردازند حمله می‌کنند! و آنان  
را مورد تمسخر خویش قرار می‌دهند! بیشتر  
عظمت اسلام را در ابعاد مادی و اجتماعی  
به رخ می‌کشند و از درک معنویات اسلام،  
نازبان هستند! و...

این دو گروه، در افراط و تفریطند و  
چون یک بعدی فکری کنند و تعادل و بینش  
جامع اسلامی را ندارند، هیچ‌کدام  
نمی‌توانند خود را مسلمان واقعی فرض  
نمایند و خویشتر را پیرو علی (ع) بدانند،  
زیرا علی (ع) در مکتب وحی پرورش یافته  
و نمونه کامل و سمبل عملی اسلام بود،

در همه ابعاد اسلام، در عین آنکه  
دراعتکاف و ریاضت بود، در حال زهد و  
معنویت به سر می‌برد، ناله‌های شبانگه‌اش،  
به همه جهان طنین می‌افکند، گریه‌های  
عاشقانه‌اش، همه غبارها را می‌زدود، در  
سجده معبودش، از خود بی‌خبر می‌شد، در

توجه داشته است! در صورتی که اسلام را می‌توانست از نشان‌دهندگان اسلام، علی (ع)، حسن (ع)، وحسین (ع)، سرمشق گیرد و به همه ابعاد اسلام توجه نماید، هم ذکر خدا بگوید و هم اسلام و مسلمانان را یاری کند، هم عبادت کند و هم جهاد نماید که هر دو عبادت و هر دو جهادند، و همچنین به سایر وظایف و ابعاد اسلام برسد.

برعکس، افرادی بوده هستند که بُعد انقلابی بودن و مبارزه و بیکار با ستمگران را مورد عنایت قرار داده، به عبادت یا سایر احکام آسمانی و سازنده اسلام، بی‌توجهند، و راه افراط را می‌پویند! که این دو عملاً اسلام را تجزیه نموده‌اند.

### اسلام تجزیه‌بردار نیست

در ایدئولوژی شیعه، با توجه به زیر-بنای عقیدتی توحیدی، همه حرکات و سکنات انسان مؤمن، «عمل صالح» است، کار و عبادت، هر دو کار و هر دو عبادتند، خواب و بیداری هر دو وظیفه است و مؤمن در هر حال، «چون که عمل می‌کند» برای خدا است (۱)، دنیا و آخرت، مادیت و معنویت، به هم آمیخته و هر کدام مرتبط با دیگری هستند که: **الدُّنْيَا مَرْعَاةُ الْآخِرَةِ** «دنیا کشتزار آخرت است» و توجه به هر کدام و ترک دیگری، با منطق اسلام سازش ندارد و یک بُعدی بودن است. و مولای آزاد مردان جهان و نشان‌دهنده اسلام مجسم،

خویش، شناخت و معرفت درستی به دست نیاورده است.

### نمونه:

«ربیع ابن خثیم» شخصیت معروف، عمری را با یاد خدا سخن می‌گفت: و توجه به هیچ چیز نداشت، به حوادث و اتفاقات زمانش بی‌اعتنا بود، اگر کسی ستم می‌کرد و ظالم بود، یا دیگری ستم می‌کشید و مظلوم، به او ربطی نداشت! او به گمان خویش همیشه ذکر می‌گفت و غیر ذکر چیزی بر زبان نمی‌آورد!

تنها پس از شهادت «ابا عبد الله الحسین (ع)» اظهار داشت: «وای بر ملت و امتی که پسریا مبر خود را بکشد». و پس از آن از این جمله هم پشیمان شد و متأثر بود که: **چرا يك جمله غیر عبادی! به کار برده و سخن غیر ذکر خدا، بر زبان رانده است؟!.**

این يك نمونه عدم تعادل، يك بُعدی بودن و تفریط است. زیرا اوزمان و عصر امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را پشت سر گذاشته! یعنی او اختلافهای پس از رحلت رسول اکرم (ص) را به چشم دیده، جنایتها و ستم گریهای بنی‌امیه را مشاهده کرده است، اعمال ضد انسانی و غیر اسلامی امویان غاصب را احساس کرده است و بالاخره در آن تاریخ شکفت آمیز، زندگی می‌کرده ولی تنها به ذکر خدا اکتفا می‌کرده است! و به این «بُعد»

۱- ان صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، انعام، ۱۶۲

بِمَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِمَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا جِزَاءٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ، (۲) «آیا به بعضی از کتاب قرآن ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر می‌ورزید؟ پس کسانی که در میان شما چنین می‌کنند، چه کیفری جز رسوائی و خواری در دنیا خواهند داشت؟ و در قیامت به سخت‌ترین عذاب، بازخواست خواهند شد، و خدا هرگز از عمل‌کرد شما غافل نیست».

با توجه به مطالب بالا، شیعه نمیتواند به يك بعد از ايمان اسلام بی‌توجه باشد یا به يك حکم از احکام اسلام عمل نکند.



بیشنهاد گروهی از یاران خود را جهت ادامه نبرد در مدینه و خودداری از رفتن به مصر، پذیرفت و همین امر، يك فرصت طلائی را از چنگ او ربود، فرصتی که می‌توانست او را از سرنوشت دردناکی که به آن گرفتار شد رهائی بخشد.

نظیر این اشتباه را ابراهیم نیز مرتکب شد و نظریات بعضی از یاران افراطی خود را در زمینه نقشه‌ها و عملیات جنگی پذیرفت و در اثر آن شکست خورد (در این زمینه باز توضیح خواهیم داد).



علی (ع) در طول حیات خویش، همچنانکه با کفار، مشرکان و مستمگران جنگیده، با افراد يك بُعدی مانند «خوارج» و... مبارزه کرده است.

هیچکدام از قوانین و احکام اسلام، اعم از: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، و اعم از: عبادی، سیاسی، حقوقی، فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، از یکدیگر مجزا نیستند و اصولا در معارف اسلام تجزیه وجود ندارد و افرادی که به يك بعد توجه می‌کنند و به اصطلاح قرآن، به برخی ایمان می‌آورند و به برخی دیگر کفر می‌ورزند، نه تنها از آنان پذیرفته نیست بلکه طبق وعده قرآن، در ذلت و خواری دنیا و آخرت خواهند بود: **أَفَتُؤْمِنُونَ**

### بقره از صفحه ۳۷

تعمیل محمد در اعلام انقلاب، بقدری اشتباه (و برخلاف قرار قبلی با ابراهیم بود) که وقتی ابراهیم در بصره، نامه اورامینی بر آغاز قیام وی در مدینه دریافت کرد، بیم و نگرانی خود را از عواقب این کار ابراز نمود.

محمد نه تنها در آغاز کار، تسلیم نظریات اشتباه آمیز یاران خود شد و با عواقب زیانبار آن مواجه گردید، بلکه پس از آغاز انقلاب نیز که در وضع دشواری قرار گرفت